

تجربه بیست و یک ساله مملکت‌ناری در نوره جمهوری اسلامی نشان داده است که عرصه سیاست و حکومت موضوعی نیست که بتوان آنرا در یک زمان مشخص برای همیشه و بدون هیچگونه تغییری به تحریر درآورد. پایه‌های نظری هر سیاستی هر چقدر هم قوی باشد در برابر تحولات پایه‌ای دیگر، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد.

از سوی دیگر موضوع سیاست از آنجا که یک مسئله انسانی است می‌تواند از طریق پروسه سعی و خطا مورد آزمون قرار گرفته و اصلاح گردد. طی نمودن این روند به هیچ وجه نمی‌تواند برای یک کشور عیب باشد. مشکل آنجاست که توجهی به نتایج این آزمون نداشته باشیم و یا خیلی دیر متوجه اشتباهات گذشته گردیم. مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ملاحظات امنیتی مربوط به آن نیز می‌تواند از این دیدگاه مورد توجه و بررسی قرار گیرد. متأسفانه شکاف میان دستگاه سیاستگذاری ما با سیستم‌های تحقیقاتی به قدری است که کمتر موجب رغبت محققان به اندیشه و تحقیق در خصوص موضوعات اساسی می‌شود. این شکاف به نوبه خود موجب غیرکاربردی شدن تحقیقات نیز خواهد شد.

سیاست خارجی ایران را مورد توجه قرار داده باشد. کتاب حاضر از این جهت که پاسخگوی بعضی از نیازهای این حوزه است و برغانی مباحث می‌افزاید شایان توجه و تقدیر است.

الف) محتوای کتاب

کتاب سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی مشتمل بر پنج فصل و یک مقدمه است. فصول پنجگانه برگرفته از کتاب after khomeiny از انتشارات Routhlege است که به همت مترجمان به فارسی برگردان شده است. در مجموعه حاضر تحولات سیاست خارجی ایران با تأکید بر ابعاد مربوط به سیاست اقتصادی، سیاست دفاعی و امنیتی تا سال ۱۹۹۵ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. به گفته ناشر، فصولی که حذف شده هیچگونه ارتباطی با حوزه سیاست خارجی ایران ندارد. بلکه عمدهً شامل مباحث درون‌ساختی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است.

از آنجا که بخشهای منتخبی از کتاب اصلی برای ترجمه انتخاب شده مقدمه کتاب نیز توسط مترجم آن یعنی جناب آقای دکتر ابراهیم منقی به نگارش درآمده است. در این مقدمه مترجم ضمن اشاره به ایستارهای جدید در حوزه سیاست خارجی معتقد است مبنای نوستی و خصومت انقلاب

سیاست خارجی ایران چارهی ایران ملاحظات امنیتی ملی

- سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی
- انوشیروان اختشامی
- ترجمه ابراهیم منقی و زهره پوستین چی
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۳۷۸، ۲۴۴ صفحه

○ سیدحسین ولی پور زرومی
کارشناس ارشد علوم سیاسی

در برخورد با گروه‌ها و واحدهای سیاسی ناشی از رهیافت ایدئولوژیک حاکم بر نظام سیاسی ایران می‌باشد. غرب ستیزی و انتظاراتی که انقلاب در سایر جوامع اسلامی بوجود آورد از جمله نتایج این رهیافت تلقی می‌گردد. انقلاب اسلامی از یک سو مخالفت کشورهای محافظه کار عرب را در پی داشت و از سوی دیگر کشورهای رادیکال عرب را با تفسیر انقلاب ایران بر مبنای فوق ایدئولوژیک‌گرایی جدید به مهار این پدیده فراخواند. در واقع برای مهار انقلاب، موقتاً شکاف موجود میان دو گروه از کشورهای یاد شده به فراموشی سپرده شد. مقدمه در پایان به تغییر و تحولات ملموس در محیط داخلی و منطقه‌ای ایران در دوران جدید اشاره می‌کند و آن را زمینه ساز دگرگونی در سیاستهای ملی و روابط کشور با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی که براساس قبول قواعد بین‌المللی استوار شده می‌داند. در نوره جدید جمهوری اسلامی بجای برقراری روابط با گروه‌های سیاسی - اجتماعی منطقه، روابط با دولتهای منطقه را انتخاب کرده است.

بعد از مقدمه مترجم، فصول انتخابی کتاب بصورت پیوسته آرایه می‌گردد. رویکرد اصلی نویسنده توجه به دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی که به دوران سازندگی معروف شده بود می‌باشد. البته در این بررسی از

حوزه سیاست خارجی فقط چند سالی است که به صورت علمی مورد توجه اندیشمندان داخلی قرار گرفته است. در دهه اول انقلاب این حوزه مانند سایر حوزه‌های دیگر هیچ گاه مورد کاوش و نقد علمی قرار نگرفته بود. تحقیقاتی که در این نوره انجام گرفته بیشتر از دیدگاه کلی نظام و با توجه به آرمانهای مطرح در انقلاب اسلامی بوده است. چنانچه محقق در حال حاضر به موضوع سیاست خارجی ج.ا.ا در دهه اول بپردازد حتی یک کتاب معتبر فارسی در این خصوص نمی‌یابد. با آغاز دهه دوم انقلاب که مصادف با اصلاح قانون اساسی و پایان جنگ تحمیلی بود گرایشهای علمی در بررسی مسائل سیاست خارجی نیز از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار گردید. شاید اولین کتابی که تقریباً به صورت علمی و انتقادی این موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهد کتاب «تحول و ثبات در خلیج فارس» باشد. این کتاب با یک دید انتقادی و آسیب‌شناسانه به رفتار سیاست خارجی ج.ا.ا در منطقه خلیج فارس می‌پردازد. «مبنای رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی» کتاب دیگری است که به برخی از مسایل دهه اول انقلاب در حوزه سیاست خارجی می‌پردازد. از این موارد که بگذریم نمی‌توانیم کتابی را بیابیم که بصورت مشخص تمامی عرصه‌های



طریق رجوع به دهه اول انقلاب، تغییرات انجام گرفته در ماهیت و روش سیاستگذاریها مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل اول کتاب با عنوان دولت و اقتصاد در دوران رفسنجانی به صورت یک بحث تخصصی و در حوزه مسائل اقتصادی که به گونه‌ای زمینه ساز سیاستگذاریهای خارجی دولت بوده آرایه می‌گردد. در این فصل سیاستهای اقتصادی جدید نظام که مبتنی بر سیاستهای توسعه بود با محوریت مسایل آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی تبیین می‌شود. نویسنده اشاره می‌کند که هدف دولت ایران از بکارگیری الگوهای جدید اقتصادی تبدیل ایران به کشور موفق در حوزه کشورهای تازه صنعتی شده نیمه پیرامونی بود. برخلاف این فصل، فصول دوم و سوم کتاب مستقیماً با موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ارتباط می‌باشد.

سیاست‌های منطقه‌ای ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عنوان فصل دوم کتاب می‌باشد. در این بخش نویسنده در ارتباط با تحلیل سیاستهای منطقه‌ای ایران در دوران قبل از انقلاب، به دوران بعد از انقلاب می‌رسد. به عقیده وی در دهه اول انقلاب، حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تعارضات دوگانه‌ای روبرو بود. مورد اول را باید اتخاذ سیاستهای فوری و کوتاه مدت در واکنش به محیط

که نویسنده براساس آن اعتقاد دارد جمهوری اسلامی ایران سعی در صدور انقلاب خود و فتح کشورهای بالقوه مستعد منطقه که دارای گروه‌های شیعی زیادی بودند داشته است. این اصل با شروع پیروزی رزمندگان ایرانی در جنگ از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. مخالفت‌های رسمی کشورهای عربی خلیج فارس و دسته‌بندی مشخص تر کشورهای عربی از همین زمان شروع می‌شود. در واقع شرایط جنگی باعث دسته‌بندی عربی نیز شده بود که نتیجه مستقیم آن تضعیف ناسیونالیسم عربی بود. نکته‌ای که در این فصل نیاز به دقت بیشتری دارد این است که به اعتقاد نویسنده جمهوری اسلامی هیچ‌گاه به خاطر دور ماندن از جنگ و حتی بعدها بخاطر پایان دادن سریع جنگ از سیاست خروج از اصول انقلاب پیروی نکرده و علت آن نیز این بود که اگر رژیم سیاسی در ایران صرفاً حوزه‌های استقرار و نفوذ خود را در داخل تثبیت می‌کرد این امر منجر به ضعف پایگاه رژیم سیاسی در داخل و تضعیف اخلاق اجتماعی انقلابیون اسلامی در روند درگیری و مبارزه می‌شد.

متأسفانه پایه‌های این دیدگاه نویسنده بریک فرض غلط استوار است و آن اینکه شرط بقاء و تلاوم حیات هر انقلابی و از جمله انقلاب اسلامی، درگیر شدن با یک بحران

دو واقعه مهم فوت حضرت امام(ره) و ظهور گورباچف بعنوان عوامل تعیین‌کننده در ساختار نیروهای سیاسی انقلاب یاد می‌شود. در این زمان شاهد بروز پدیده‌های مهم در تاریخ انقلاب ایران هستیم. اتحاد عملگرایان به رهبری هاشمی رفسنجانی و حمایت مقام رهبری، موجب تلاش برای بازسازی سیاست خارجی کشور شد. اعاده ثبات در منطقه خلیج فارس، ایجاد روابط مستحکم‌تر با سیستم سرمایه‌داری جهانی، تلاش برای بازسازی روابط با سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای از محورهای عمده این بازسازی می‌باشد. این مسایل برای بازسازی اقتصادی و نظامی کشور در دوران جدید الزامی بود. در واقع به نوعی میان رونق اقتصادی در داخل و ثبات سیاسی - نظامی در منطقه پیوند ایجاد شده بود. نویسنده ضمن تحلیل توسعه روابط ایران با کشورهای غیرعرب منطقه (مجموعه اکو) در این دوره آنرا با زمان شاه مقایسه می‌نماید. در ادامه در ذیل عنوان پیامدهای بحران کویت، به توسعه روابط ایران با جهان عرب و منطقه خلیج فارس می‌پردازد. موضع‌گیری مثبت ایران در این بحران از یک سو باعث بهبود شرایط منطقه‌ای ایران در آینده خلیج فارس و از سوی دیگر باعث بهبود روابط ایران با کشورهای نظیر مصر، مراکش، تونس و... شد. در اینجا نیز

دیدگاه نویسنده بریک فرض غلط استوار است و آن اینکه شرط تداوم هر انقلابی در گیرشدن با یک بحران خارجی و دخالت در امور دیگران است. در صورتی که تاریخ روابط بین‌الملل، گواه آن است که انقلاب‌های بزرگ بعد از پیروزی نیاز به آرامش در مرزهای خارجی خود دارند.

با آغاز دهه دوم انقلاب که مصادف با اصلاح قانون اساسی و

پایان جنگ تحمیلی بود گرایش‌های علمی در بررسی مسایل سیاست خارجی نیز از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار گردید



نتیجه‌گیری نهایی نویسنده در این خصوص که به رغم تشدید سطح عمل‌گرایی در دوران سازندگی همچنان سیاست خارجی ایران برمبنای مسایل ایدئولوژیک و رویکرد آرمانی قرار دارد، برای خواننده نوعی سردرگمی و پیچیدگی به دنبال دارد

نویسنده راهبرد جدید ایران (برای گسترش نقش منطقه‌ای) را با مواضع سنتی ایران (زمان شاه) مورد مقایسه قرار می‌دهد. تفاوت این دو راهبرد در این بود که در سیاستهای جدید تمایلی به اتحاد رسمی یا غرب نیست.

تلاش برای روند عربی کردن منطقه خلیج فارس (طرح ۶+۲) و ایجاد شرایط مناسب برای مذاکرات صلح خاورمیانه از جمله پیامدهای منفی بحران کویت برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود. نویسنده با اعتقاد به عملگرا بودن دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران جدید قرار گرفتن ایران در قلب گرایش‌های ضد اسرائیلی را - در حالی که حتی برخی از کشورهای تندروی عرب مانند سوریه به روند صلح پیوستند - با ضرورتهای سیاست خارجی جدید ایران در تناقض می‌بیند. البته این مسئله را همان طور که بعدها نویسنده اشاره می‌کند باید در ماهیت روابط ایران با اسرائیل جستجو نمود. براساس پایه‌های ایدئولوژیک نظام، گسترش روابط با کشورهای اسلامی جزء اصول اولیه محسوب می‌گردد. ولی مقتضیات دوران اولیه انقلاب باعث شده بود تا در پی‌گیری روشها برای رسیدن به این منظور، از شتاب بیشتری پیروی نماید. این در حالی است که در رابطه با اسرائیل اصل قضیه برای همیشه مورد سؤال قرار گرفته

خارجی و جنگ و دخالت در امور دیگران است. در صورتی که تاریخ روابط بین‌الملل به اثبات می‌رساند که انقلاب‌های بزرگ بعد از پیروزی نیاز به آرامش در مرزهای خارجی خود دارند. نئین اولین کاری که پس از پیروزی کرد صلح با دشمن خود یعنی آلمان بود. در حالی که کشور وی حتی در صحنه‌های جنگی پیروز بود. در اینکه جنگ تحمیلی روحیه ایدئولوژیک نظام را تشدید کرد شکی نیست ولی این به معنای بقاء و تداوم مشروعیت نظام نمی‌تواند باشد. چه بسا سیاستهایی که بعد از تأخیر ده ساله آغاز شد از همان سالهای نخست امکان شروع داشت. ثبات سیاسی - اجتماعی و نبود تهدید خارجی شرط اولیه هرگونه سازندگی است. از سوی دیگر ویژگی گسترش یابی به ماهیت انقلاب مربوط می‌شود^۲ و این مسئله در مورد انقلاب ایران هیچ ارتباطی با تثبیت داخلی نیروهای انقلابی نداشته است.

عنوان فصل سوم کتاب، سیاستهای خارجی ایران در جمهوری دوم است. نویسنده سال ۱۹۸۸ را به عنوان نقطه عطف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌کند. اصطلاح «جمهوری دوم» مفهومی است که آنرا برای توصیف سیاستهای دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی بکار می‌گیرد. در ابتدای این دوره از

منطقه‌ای ایران دانست در حالیکه تعارض دوم در حوزه راهبردهای بلندمدت سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع مسایل و واقعیت‌هایی مانند جنگ در ترکیب با مؤلفه‌های ایدئولوژیک نظام تعارضات و مشکلاتی را بوجود می‌آورد. بطور کلی سیاست منطقه‌ای چند بعدی ایران در این دوره بر چهار اصل ذیل استوار بود:

- ۱- همکاری و مشارکت نزدیک با اعضاء مشخصی از جبهه پایداری عرب (مانند سوریه)
 - ۲- ایجاد رابطه اصولی و عملگرایانه با ترکیه و پاکستان براساس احترام متقابل و گسترش روابط اقتصادی ثمر بخش.
 - ۳- مخالفت با مواضع و گرایشهای حاکمین عرب خلیج فارس و گروه اعراب میانه رو (مانند مصر)
 - ۴- مخالفت‌های بسیار جدی با کشور اسرائیل
- در ادامه با توجه به اصول فوق، تحولات سیاسی خارجی ایران در دهه اول انقلاب مورد بحث قرار می‌گیرد. اصل صدور انقلاب و سیاست نه شرقی - نه غربی، احساس خطر کشورهای منطقه خلیج فارس، همکاری نزدیک با سوریه و گروه‌های اسلامی لبنان، اجراء مجدد روابط با اعضاء سازمان توسعه و همکاری‌های منطقه‌ای، مسائلی است که مورد بحث نویسنده می‌باشد. دوران سنگربندی مفهومی است

در ادامه این فصل نویسنده با توجه به رفتار جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه به این نکته اشاره می‌کند که ایران مجدداً همانند زمان شاه سعی دارد تا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مطرح شود. وی نگاه ایران به مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و پیوند آن با مبانی ایدئولوژیک را دلیل این امر می‌داند. البته این مبانی در زمان شاه مطرح نبود ولی باتوجه به تجربه ناموفق جمهوری اسلامی ایران در دهه اول که تنها به توان ایدئولوژیک نظام تکیه کرده بود در دوران جدید از هر دو مؤلفه ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک برای تبدیل ایران به قدرت اصلی منطقه استفاده می‌گردد. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که البته هر کشوری در سیاست خارجی سعی در توسعه موقعیت و اقتدار منطقه‌ای و جهانی خود دارد. ولی تجربه‌ای که ایران در طول سالهای بعد از انقلاب در سیاست خارجی خود آموخته و همچنین ترکیب‌های منطقه‌ای قدرت مانع از آن می‌شود تا ایران به دنبال مطرح شدن به عنوان قدرت اصلی منطقه حرکت نماید. اصل همکاری و دستیابی به امنیت جمعی مهم‌ترین هدفی است که دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر دنبال آن بوده است.

در انتهای این فصل تصویری از آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارائه می‌گردد. بحرانی بودن روابط ایران و آمریکا و تکیه صرف به درآمدهای نفتی به عنوان آسیب‌های جدی ایران ذکر می‌گردد. با همه تحولاتی که در دهه دوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی اتفاق افتاده و نویسنده به آنها پرداخته ولی همچنان اعتقاد دارد که جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همانند دوران قبل همچنان اسلام‌گرا، غیرمتعهد و طرفدار جنوب باقی مانده است. در واقع در رفتار سیاست خارجی کشور تحول صورت گرفته ولی ماهیت آن همچنان دست نخورده باقی مانده است.

فصل چهارم کتاب با عنوان راهبردهای دفاعی و امنیتی در روند جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش نویسنده ابتدا سیاست‌های دفاعی ایران را در روند جدید مورد بررسی قرار می‌دهد. در این دوره ایران با توجه به تجربه جنگ تحمیلی و شرایط منطقه‌ای موجود به سوی استراتژی بازدارندگی متمایل شد و همگام با بازسازی حوزه‌های دیگر، به بازسازی دفاعی - امنیتی خود نیز پرداخت.

نویسنده در ابتدای این بخش به راهبرد دفاعی ایران در زمان جنگ و جمهوری اول اشاره می‌کند. ولی نکته‌ای را نباید فراموش کرد و آن اینکه در آغاز پیروزی انقلاب با توجه به آرمانهای بالای انقلاب، نقش پدیده نظامیگری و توجه به ابزارهای نظامی در نزد انقلابیون برای تأمین امنیت ملی چندان مورد نظر نبود حتی دستور داده شده بود تا از هزینه‌های این بخش کاسته شود.^۲ و لذا بی‌اعتنایی‌های زیادی نیز به آن شده بود. این برداشت، هزینه‌های سنگینی در ابتدای جنگ تحمیلی برای ایران داشت. در دوران جدید سعی شده تا برداشت ابتدایی انقلاب مورد بازبینی کلی قرار گیرد. البته این تحول مخصوصاً در سالهای بعد از مطرح شدن تهدید مجدد عراق و پیامدهای حضور مستقیم آمریکا در منطقه عنایت یافته است. نویسنده معتقد است روند بازسازی دفاعی از همان روزهای اول پایان جنگ مورد توجه دولت قرار گرفت و در این میان سهم هزینه‌های دفاعی همانند زمان جنگ همچنان بالا بود. ولی برخی از آمارها نشان می‌دهد که بلافاصله بعد از پایان جنگ به علت وضعیت مخاطره‌آمیز بودن شرایط اقتصادی کشور میزان هزینه‌های

دفاعی کشور به شدت کاهش یافته بود (به میزان ۱۳۶۶) و این کاهش تا بحران کویت ادامه داشت.^۳

در ادامه نویسنده به تحلیل تحولات انجام گرفته از جمله انحلال وزارت سیاه و تاسیس وزارت دفاع، ایجاد دفتری واحد تحت عنوان ستاد فرماندهی کل قوا و اعطاء درجات نظامی به سپاه می‌پردازد و همه اینها را در راستای تخصصی ساختن حوزه امنیتی و دفاعی کشور قلمداد می‌کند. سیاست تدارک نظامی و بازسازی تسلیحاتی محور بحث دیگر نویسنده در این بخش می‌باشد. به اعتقاد وی در دوره جدید سیاست چندلایه‌ای (Multi-Layered) به عنوان استراتژی تهیه و تدارک تسلیحات از بیرون اتخاذ می‌گردد که تأکید عمده بر تأمین تسلیحات از کشور روسیه دارد. واردات فن‌آوریهای لازم برای تولید سیستمهای تسلیحاتی و همچنین جان نازده بخشیدن به مجموعه و فرآیندهای صنعتی - نظامی زمان شاه نیز از جمله رویکردهای روند جدید محسوب می‌گردد. تجزیه و تحلیل سلاح‌های غیرمتعارف و هسته‌ای ایران در ادامه این بحث می‌آید و نهایتاً محیط منطقه‌ای و توازن نظامی موجود مورد کاوش قرار می‌گیرد. در این بحث نویسنده به این نتیجه کلی می‌رسد که هزینه‌های نظامی ایران در مقایسه با سایر دول منطقه بسیار کم است و ایران بیشترین سود را از کاهش مسابقه تسلیحاتی موجود خواهد برد و از آن استقبال می‌کند.

در نهایت نویسنده فصل پنجم کتاب را به این سوال که «آیا جمهوری اسلامی ایران جایگزین انقلابی برای کشورهای جهان سوم است؟» اختصاص می‌دهد. این بخش چندان ارتباطی با موضوع تحول و سیاستهای دوران سازندگی ایران ندارد. نویسنده در این بخش به این دو سوال می‌پردازد:

۱- آیا می‌توان تجربه انقلاب ایران را باتوجه به میزان نیل به اهدافش موفقیت‌آمیز دانست؟

۲- آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بعنوان یک نمونه و الگو، جایگزینی ارزشمند در برابر سوسیالیسم و مدل سرمایه‌داری غربی برای کشورهای جهان سوم مطرح شود؟ نویسنده در نهایت به این نتیجه می‌رسد که مثل انقلاب ایران دارای ویژگیهای خاص خود است اما از جنبه «کارآمدی» رژیم حاصل از انقلاب فاقد کارآمدی مشابه با اهداف انقلاب بوده است. از این رو بازتاب و تأثیرات بلندمدتی ایجاد نکرد.

ب) ملاحظات انتقادی

بطور کلی در مورد این کتاب می‌توان به نکات مثبت و منفی زیر اشاره نمود:

۱- اولین موضوعی که در این کتاب خواننده را به خود جلب می‌کند ترجمه سلیس و روان آن می‌باشد. مترجم محترم کتاب از آنجا که خود تحقیقات گسترده‌ای را در حوزه مسائل سیاست خارجی به عمل آورده متن کتاب را به فارسی شیوا برگردانده است.

۲- کتاب توسط یکی از محققان ایرانی مقیم خارج به نگارش درآمده است. این ویژگی موجب شده که سطح واقع بینی کتاب نیز افزایش یابد. به عبارت دیگر در متن تحقیق، ملاحظات خاصی را نمی‌توان دید که مانع از تحلیل منطقی پدیده‌ها شده باشد.

۳- نویسنده در این کتاب اطلاعات وسیعی را به خواننده منتقل می‌کند و این اطلاعات از طریق تحلیل‌های جامعی در طول کتاب ارائه می‌گردد. البته جزئی شدن تحلیل‌های نویسنده بیشتر از این مسئله نشأت می‌گیرد که این کتاب به زبان لاتین به نگارش درآمده و لذا در درجه اول خوانندگان بیرونی را مدنظر دارد.

۴- اولین نقصی که جلب توجه می‌کند ساختار متنوع کتاب و ارتباط دادن آن با مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. همان طوری که ناشر کتاب اشاره کرده، مجموعه فصول این کتاب، از کتاب بزرگتری تحت عنوان (After khomeini) برای ترجمه و چاپ انتخاب شده است. در واقع نویسنده در کتاب اصلی، تحولات سیاسی - اجتماعی ایران بعد از انقلاب را مدنظر قرار داده است. ولی در این کتاب با انتخاب ناشر و مترجمین فصلهایی از کتاب اصلی در زیر مجموعه مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی جمع‌آوری شده و همین مساله موجب شده که فصول کتاب در مجموع ناهماهنگ باشند. در واقع فصل اول کتاب، حوزه مسائل اقتصادی ایران را در دوران سازندگی مدنظر قرار می‌دهد. فصل چهارم کتاب نیز بازسازی سیاست‌های امنیتی ایران را بررسی می‌کند. در فصل پنجم نیز نویسنده بدون توجه به دوران سازندگی ایران، الگوپذیری کلی انقلاب اسلامی را مورد نقادی قرار می‌دهد و تنها دو فصل دوم و سوم کتاب مستقیماً با مسائلی سیاست خارجی ایران ارتباط دارند.

۵- نقص دیگر کتاب که به نویسنده مربوط می‌شود، عدم دسته بندی و در هم ریختگی مطالب هر فصل است. به عنوان مثال در زیر یک عنوان هم به عوامل و هم به رفتار منطقه‌ای و هم به نتایج این رفتار اشاره می‌شود. این بررسی ناموزون و نامرتب به مرور زمان برای خواننده خسته‌کننده می‌شود. چرا که نمی‌تواند از طریق عنوانهای مطرح شده در فصول کتاب پیش‌بینی مطالب مشخصی را داشته باشد.

۶- ناموزونی مطالب کتاب، تکراری بودن بسیاری از مباحث مطرح شده را نیز به دنبال داشته است. در جای جای کتاب می‌توان تحلیل‌های واحدی را در خصوص یک موضوع مشاهده نمود.

۷- نتیجه‌گیری نهایی نویسنده در این خصوص که بر غم تشدید سطح عملگرایی در دوران سازندگی همچنان سیاست خارجی ایران بر بنای مسائلی ایدئولوژیک و رویکرد آرمانی قرار دارد، برای خواننده نوعی سردرگمی و پیچیدگی دنبال دارد. این مسئله نه به خاطر نوع نتیجه‌گیری نویسنده بلکه به علت عدم تحلیل مشخص در خصوص موضوع منافع ملی و عملگرایی از یک طرف و منافع فراملی و آرمانی از سوی دیگر می‌باشد.

یادداشتها:

۱- محمد مسجد جامعی، تحول و ثبات در خلیج فارس، قم، انتشارات حمید، ۱۳۶۹.

۲- بهمن نعیمی ارفع، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.

۳- گی، روش، تغییرات اجتماعی، منصور وثوقی، تهران، نشرنی، چاپ سوم، ۱۳۷۰، صص ۶-۲۰۵.

4- Kamran Mofid, The Economic conception of the Gulf war, London, Routledge, 1999, p.64.

5- Anthony Kordesman, After the storm, London, West View Press, 1995, p.378.